

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من میباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن میباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

سیزدهم جولای 2013

## ای رهگذر جاده های غبارآلود قلبم!

نیمه ای از شب گذشته است و من هنوز پاسدار خاطرات تو هستم. کوچۀ باریکی که مشامم را با عطر دیدار تو آشنا ساخته بود، دیگر شکوهی ندارد و نه رخسندگی و فروغی.

حجم حسرت دیدارت در کتاب چشمان منتظرم به نهایتش رسیده است. دیگر از گریستن در زاویه های پنهان هستی خسته هستم و ناشکیبا. این گردون گوئی جز ملال و اندوه ارمغانی ندارد. ستارگان همه از جنس سنگ غم هستند و مهتاب کتله سربی آشفتگی.

آه! شاید امشب تن رنجکشم با سنگ ستارگان، روی دشت تاریک شب دور از نگاه تو، سنگسار گردد.

آری! اینطور میشود میبینم...، میبینم.

فردا جسد افسرده مرا سوی قبرستانی میبرند، که در پیرامونش درختان سبز عشق قد برافراخته و هر برگش مرثیه خوان روح سرگشته من است. در سنگ مزارم خواهند نوشت که با سنگهای بیرحم ستارگان در یک شب سیاه بیکی، هلاک شدم.

صباگاهان زارعان روستای شعرهایم می آیند و روی مزارم سبزه های تازه  
سروده هایم را میکارند و روح من با همان سادگی کودکانه همه رنجها را  
فراموش میکند و تنها به آسودگی تو می اندیشد.  
زمانی که پیچک سبز قصه هایم در ساقه اذهان بی شمار مردمان میپیچد، روح  
بی غرضم یکبار دیگر با سنگ نفرین زخمی میگردد.  
دوست داشتن مگر گناهست؟  
امشب از مرز خیالاتم عبور کن تا با تو وداع گویم.

(ناھید "غزل" غنی زاده - دوشنبه 20 جوزای 1364)